

اجلاس مارس ۲۰۰۶ شورای حکام

در ۹ فروردین ماه ۱۳۸۵ (۲۹ مارس ۲۰۰۶)، رئیس آرژانتینی شورای امنیت در اولین گام پس از ارسال موضوع هسته ای به شورای امنیت، مبادرت به صدور بیانیه ای نمود. این بیانیه که اولین اقدام شورای امنیت درخصوص موضوع هسته ای ایران می باشد، ضمن تأکید بر انجام تعلیق از سوی ایران، بر نقش شورای حکام آژانس و ضرورت ادامه کار آژانس برای روشن کردن همه موضوعات باقی مانده مربوط به برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران تأکید می کند. در این بیانیه، علی رغم این که بر حق دولت های عضو معاهده منع گسترش مبنی بر استفاده از انرژی هسته ای در جهت مصارف صلح جویانه بدون تبعیض تأکید گردید، شورای امنیت بدون ارائه هرگونه دلیل و مدرکی از ایران تقاضا نمود تا اقدامات درخواستی شورای حکام آژانس به ویژه تعلیق کامل و پایدار تمامی فعالیت های مرتبط با غنی سازی و بازفرآوری را انجام دهد و از مدیرکل آژانس درخواست کرد که ظرف ۳۰ روز، گزارشی را در ارتباط با اقدامات انجام شده توسط ایران ارسال دارد.

بیانیه رئیس شورای امنیت در قالب دستورکار عدم اشاعه صادر شد. با این حال، هیچ مشخص نیست که به چه دلیلی شورا دست به چنین اقدامی زد. این اقدام، در تعارض با این واقعیت قرار داشت که هیچ گاه چنین دیدگاهی از سوی نهاد تخصصی مرتبط با موضوع، یعنی آژانس بین المللی انرژی اتمی نیز تأیید و دنبال نشده است.

بیانیه شورا حتی برخلاف قطعنامه های شورای حکام، هیچ اشاره ای به ماهیت حقوقی اقدامات اعتمادساز توسط ایران ننمود. شورای حکام آژانس به هنگام درخواست از ایران جهت انجام اقدامات اعتمادساز، تصریح کرد که این اقدامات واجد وصف داوطلبانه و به لحاظ حقوقی غیرالزام آور می باشند.^۱ با این حال، رئیس شورای امنیت در بیانیه خویش نه تنها اشاره ای به این خصیصه نداشت، بلکه تصریح نمود درخواست های آژانس الزاماتی به شمار آمده که ایران باید آن ها را رعایت کند.

در ارتباط با آثار حقوقی بیانیه شورای امنیت باید بیان داشت که این دسته از اسناد شورا، از منظر حقوقی در قالب تصمیمات الزام آور در مفهوم ماده ۲۵ منشور ملل متحد به شمار نمی آیند. با این حال، الزام آوری یک بیانیه رئیس نیز تابع همان محدودیت های قانونی

^۱ این خصیصه غیرحقوقی و غیرالزام آور، در موافقت نامه پاریس از سوی طرف های مقابل به رسمیت شناخته شد. همچنین در قطعنامه های شورای حکام آژانس نیز آمده است. به طور مثال، نگاه کنید به پاراگراف ۵ قطعنامه فوریه ۲۰۰۶ شورای حکام.

می باشد که برای صدور قطعنامه وجود دارد. به عبارت دیگر، صرفاً زمانی برای دولت ها لازم الإبتاع بوده که براساس مقررات مندرج در منشور و حقوق بین الملل صادر گردیده باشند. بر این اساس، با توجه به این که بیانیه ۲۹ مارس ۲۰۰۶ رئیس شورای امنیت حقایق فعالیت های هسته ای جمهوری اسلامی ایران را به درستی منعکس ننموده بود، نمی توانست از اثر الزام آوری برای ایران برخوردار باشد.

مدیرکل آژانس بین المللی در اجلاس مارس ۲۰۰۶ شورای حکام، گزارش خود درخصوص اجرای موافقت نامه پادمان در جمهوری اسلامی ایران را به این شورا ارائه نمود. در این گزارش، بار دیگر بر عدم انحراف مواد و فعالیت های هسته ای اظهار شده در ایران تصریح شده است. در این گزارش، مجدداً بر خاتمه یافتن منشأ الودگی های با غنای بالا تأکید شده و از طرف دیگر، موضوع سانتریفیوژهای P1 و P2 و آزمایشات پلوتونیوم بازنگه داشته شده اند. سند اورانیوم فلزی نیز در این گزارش کاملاً به خود شکل یک موضوع را گرفت و آژانس اظهار کرد که اگرچه نشانه ای درباره استفاده عملی ایران از این اسناد وجود ندارد، اما وجود آن در ایران جای نگرانی دارد. از طرف دیگر، مدیرکل آژانس در این گزارش تصریح می کند که ایران دسترسی آژانس به این سند را مجدداً فراهم کرده و تحت مهر و موم قرار دارد. درخصوص اقدامات اعتمادساز داوطلبانه (تعلیق و پروتکل الحاقی) نیز در این گزارش آمده است که ایران به دلیل گزارش موضوع هسته ای به شورای امنیت، اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی را از ۶ فوریه ۲۰۰۶ متوقف کرده و فعالیت های خود در UCF اصفهان و کارخانه آزمایشی غنی سازی سوخت در نطنز را از سر گرفته است. مدیرکل آژانس همچنین اعلام کرد که ایران به آژانس اجازه داد از مراکز نظامی کلاهدوز، لویزان و پارچین بازدید نماید و هیچ فعالیت غیرعادی در کلاهدوز و پارچین مشاهده نکرده و نتایج نمونه برداری ها نشان می دهد که هیچ مواد هسته ای در این سایت ها وجود ندارد.

نماینده جمهوری اسلامی ایران در این اجلاس با قرائت بیانیه ای به انتقادهای جدی از آمریکا و کشورهای غربی و عملکرد آنان در قبال NPT پرداخت و از طرف دیگر، به عملکرد جمهوری اسلامی ایران که بر مبنای عمل به تعهدات خود می باشد تصریح نمود

جنبش عدم تعهد نیز با صدور بیانیه ای ضمن اشاره به نکات ایجابی گزارش مدیرکل آژانس و همکاری های ایران با آن، بر نقش محوری آژانس در رسیدگی به مسائل پادمانی

کشورهای عضو و همچنین ضرورت حل و فصل موضوع هسته ای ایران از طریق گفتگو و مذاکره تأکید نمود.

در این اجلاس، جمهوری اسلامی ایران همچنین نظرات خود درخصوص مفاد مختلف گزارش مدیرکل آژانس را به صورت کتبی تنظیم و در اختیار اعضای آژانس قرار داد. این مواضع، به عنوان سند آژانس نیز منتشر گردید.

در پایان بحث درخصوص موضوع هسته ای ایران، رئیس شورای حکام یک جمع بندی را از مجموع مواضع کشورهای مختلف در این رابطه ارائه نمود. لازم به توضیح است که پس از ارسال موضوع هسته ای به شورای امنیت در فوریه ۲۰۰۶، از اجلاس مارس ۲۰۰۶ به بعد دیگر شاهد صدور قطعنامه در شورای حکام درمورد موضوع هسته ای ایران نمی باشیم و جمع بندی رئیس شورا جایگزین آن گردید.

۱. گزارش مدیر کل آژانس درخصوص اجرای موافقت نامه پادمان در ایران^۱

الف) تحولات از نوامبر ۲۰۰۵

برنامه غنی سازی:

همان طور که در گزارش ۱۸ نوامبر ۲۰۰۵ مدیرکل آمده است، در نشست هایی که در اکتبر و نوامبر ۲۰۰۵ صورت گرفت آژانس از ایران خواست اطلاعات بیشتری را درباره جنبه های خاص برنامه غنی سازی ارائه دهد. پاسخ به برخی از این درخواست ها در بحث هایی که در تهران از ۲۵ تا ۲۹ ژانویه ۲۰۰۶ بین مقامات ایرانی و تیم آژانس به ریاست معاون مدیرکل در امور پادمان صورت گرفت، ارائه شد. یک گروه دیگر آژانس نیز از ۱۲ تا ۱۴ فوریه ۲۰۰۶ به منظور بحث بیشتر به ایران سفر کردند. روز ۲۶ فوریه ۲۰۰۶، معاون مدیرکل بار دیگر به ایران سفر کرد تا درباره مسائل مربوط به مرکز تحقیقات فیزیک و پروژه موسوم به نمک سبز بحث کند.

آلودگی: آژانس به عنوان بخشی از ارزیابی خود از صحت و کامل بودن اظهارات ایران درباره فعالیت های غنی سازی، درحال تحقیق درخصوص منشأ آلودگی با غنای بالا و پائین است که در مکان هایی در ایران یافت شده و این کشور اعلام کرده است که قطعات سانتریفیوژ در آن ها تولید شده، استفاده شده یا انبار شده است. همانطور که در نوامبر ۲۰۰۵ توسط مدیرکل گزارش شده است، تحلیل نمونه های محیطی جمع آوری شده در یکی از کشورهای عضو آژانس که به گفته ایران قطعات سانتریفیوژ در آن توسط شبکه تأمین در اواسط دهه ۱۹۹۰ پیش از انتقال به ایران انبار شده بود، هیچ اثری از مواد هسته ای نشان نداد. این مسئله را می توان با این حقیقت توضیح داد که صاحبان مکان های انبار تغییر کرده و انبارها در دهه گذشته نوسازی شده اند و بیشتر قطعات در بسته بندی اصلی خود انبار شده اند. برای درک بیشتر منشأ برخی از آلودگی هایی که در ایران کشف شده، آژانس در دسامبر ۲۰۰۵ از یک دستگاه سانتریفیوژ که توسط یکی از اعضای آژانس از شبکه تأمین دریافت شده بود نمونه برداری کرد. نتایج تجزیه و تحلیل این نمونه ها به همراه دیگر یافته ها، از اظهارات ایران درباره منشأ خارجی بیشتر آلودگی های ذرات اورانیوم با غنای بالا حمایت می کند.

^۱ GOV/۲۰۰۶/۱۵, ۲۷ FEBRUARY ۲۰۰۶.

دستیابی به فناوری سانتریفیوژ P1: همان طور که در گذشته به شورای حکام آژانس گزارش شده است، ایران در ژانویه ۲۰۰۵ نسخه ای از یک سند یک صفحه ای دست نویس را به آژانس نشان داد که در آن پیشنهادی به ایران در سال ۱۹۸۷ توسط یک خارجی مطرح شده بود. این سند درباره تولید احتمالی یک سانتریفیوژ مونتاژ نشده (شامل طرح توضیحات و خصوصیات تولید سانتریفیوژ) بود. روز ۲۵ ژانویه ۲۰۰۶، ایران تأکید کرد این سند تنها دلیل مستند باقی مانده مربوط به محتوا و میزان پیشنهاد ۱۹۸۷ است. ایران اعلام کرد هیچ سند مکتوب دیگری مانند زمان های انجام دیدار، اسناد دولتی گزارش ها، کتابچه های شخصی یا موارد مشابه برای اثبات گفته هایش درباره این پیشنهاد وجود ندارد. ایران اعلام کرد تنها برخی تجهیزات یک یا دو سانتریفیوژ مونتاژ نشده و طرح ها و توضیحات آن توسط این شبکه منتقل شده، اما تعدادی از دیگر اقلام این تجهیزات که در این سند به آن اشاره شده به طور مستقیم از دیگر تأمین کنندگان خریداری شده است. در طول دیدار آژانس از ایران از ۱۲ الی ۱۴ فوریه ۲۰۰۶، ایران برخی توضیحات را برای حمایت از اسناد و مدارک ارائه شده قبلی به آژانس، در اختیار آژانس قرار داد که مربوط به موادی می شد که در اختیار این کشور قرار گرفته بود. تهران همچنین اسناد مربوط به تحویل اکثر موادی را که دریافت کرده بود و گفته می شد به طور مستقیم توسط ایران از دیگر تأمین کنندگان خریداری شده است، نشان داد تا اظهارات تهران را مبنی بر نحوه دستیابی به این مواد تأیید کند. همانگونه که به شورای حکام گزارش شده است، بنابر اظهارات ایران تماسی میان این کشور با شبکه هسته ای بین سال های ۱۹۸۷ و اواسط ۱۹۹۳ وجود نداشته است. در طول دیدار ۱۲ الی ۱۴ فوریه ۲۰۰۶، آژانس از ایران اطلاعات بیشتری مربوط به سفر اواسط ۱۹۹۰ و زمان بندی انتقال مواد درخواست کرد و ایران موافقت کرد کتباً توضیحات بیشتری درباره موضوعات اخیر به آژانس ارائه کند.

اکتساب فن آوری های سانتریفیوژهای P2: ایران همچنان اصرار دارد که در نتیجه مذاکراتی که در اواسط ۱۹۹۰ با واسطه ها انجام داده است، این واسطه ها تنها طرح هایی از سانتریفیوژهای P2 در اختیار این کشور قرار دادند و حمایت خاص دیگری ارائه نکردند و هیچ دستگاه سانتریفیوژی از سوی واسطه ها به همراه طرح ها ارائه نشده است. ایران همچنان اصرار دارد که هیچ فعالیتی بین سال های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۲ روی سانتریفیوژهای P2 انجام نداده است و حتی در طول این دوره زمانی به هیچ عنوان درباره این سانتریفیوژها با واسطه ها صحبت هم نکرده است و حرفی از در اختیار قرار گرفتن این سانتریفیوژها به میان نیامده است. با توجه به

اطلاعاتی که در اختیار آژانس قرار گرفته است، امکان ارائه این سانتریفیوژها به ایران در طول این مدت زمانی وجود دارد و این اطلاعات در اختیار تهران نیز قرار گرفته است و ایران در نوامبر ۲۰۰۵ بار دیگر از آژانس خواست به آن فرصت دهد تا درباره امکان تحویل سانتریفیوژهای P1 و P2 پس از سال ۱۹۹۵ بار دیگر تحقیق کند. ایران در دیدار ۱۲ الی ۱۴ فوریه آژانس از این کشور تأکید کرد چنین دستگاه‌هایی به هیچ عنوان به آن تحویل داده نشده‌اند. در ارتباط با فعالیت‌های مربوط به تحقیق و توسعه روی طرح سانتریفیوژ P2 که ایران اعلام کرده توسط یک پیمانکار از اوائل سال ۲۰۰۲ و ژوئیه ۲۰۰۳ انجام شده، ایران تأیید کرد این پیمانکار قطعاتی را چون مگنت‌ها دریافت و خریداری کرده که برای P2 مناسب بودند. ایران در دیدار اواسط فوریه ۲۰۰۶ آژانس از این کشور، برخی از توضیحات اضافی درباره مگنت‌های P2 در اختیار آژانس قرارداد و تصریح کرد که تنها تعداد اندکی از مغناطیس‌ها به این کشور ارائه شده است. ایران در پاسخ به درخواست آژانس درباره تحقیقات این کشور پیرامون امکان تحویل تعداد ۹۰۰ قطعه مغناطیس از یک شرکت خارجی در اواسط ۲۰۰۳ تأکید کرد که هرگز این مغناطیس‌ها را سفارش نداده و یا دریافت نکرده است.

فلز اورانیوم:

بنابر اعلام ایران، سند ۱۵ صفحه‌ای اورانیوم فلزی از سوی شبکه تأمین در اختیار این کشور قرار گرفته و به درخواست سازمان انرژی اتمی ایران نبوده است. اما این سازمان قادر نبوده که زمان دریافت این اسناد را اعلام دارد. ایران به درخواست آژانس برای ارائه نسخه‌ای از این اسناد عمل نکرده است، اما به آژانس اجازه داد در دیدار ژانویه ۲۰۰۶ خود از تهران بار دیگر این سند را مرود بازدید و لاک و مهر قرار دهد.

تعلیق:

در نامه‌ای به تاریخ ۳ ژانویه ۲۰۰۶، ایران به آژانس اطلاع داد که تصمیم دارد از نهم ژانویه ۲۰۰۶ مسئله تحقیق و توسعه در برنامه انرژی صلح آمیز هسته‌ای را که پیش از این به عنوان بخشی از تعلیق داوطلبانه و غیرالزام آور حقوقی اجراء شده بود، از سر بگیرد. روز هفتم ژانویه آژانس نامه‌ای را از ایران دریافت کرد که در آن درخواست شده بود آژانس مهروموم‌های تأسیسات نطنز، فرایند تکنیک و پارس تراش را که برای نظارت بر تعلیق نصب شده بود،

بردارد. این مهروموم ها روز دهم و یازدهم ژانویه ۲۰۰۶ در حضور بازرسان آژانس برداشته شد. از زمان برداشتن مهروموم ها، ایران بازسازی اساسی سیستم کنترل گاز در کارخانه آزمایشی غنی سازی سوخت نظنز را آغاز کرد. در ۲۹ ژانویه ۲۰۰۶ دو مخزن در کارخانه مزبور شامل UF_۶ که مهروموم های آن در دهم ژانویه ۲۰۰۶ برداشته شده بود بار دیگر تحت نظارت آژانس قرار گرفت. روز هشتم فوریه ۲۰۰۶ اطلاعات به روز شده طراحی کارخانه غنی سازی آزمایشی سوخت و کارخانه غنی سازی اورانیوم توسط آژانس دریافت شد. آغاز به کار نصب اولین دستگاه های سه هزار تایی P_۱ در کارخانه غنی سازی سوخت برای سه ماهه چهارم ۲۰۰۶ برنامه ریزی شده است. روند غنی سازی کارخانه غنی سازی آزمایشی سوخت نظنز براساس اقدامات نظارتی پادمان آژانس انجام می شود. در نامه ای که روز ششم فوریه ۲۰۰۶ از سوی ایران دریافت شد، ایران علاوه بر مسائل دیگر اعلام کرد اجرای توافقات پادمانی تنها بر اساس موافقت نامه پادمان انجام می شود و درخواست کرد همه اقدامات نظارتی آژانس که فراتر از توافقات پادمانی عادی آژانس درحال اجراء بود، تا اواسط فوریه ۲۰۰۶ لغو شود. بر همین اساس، روز ۱۲ فوریه ۲۰۰۶ آژانس تدابیر نظارتی خود را در UCF تعدیل کرد، اگرچه مخازن گاز UF_۶ و همه مخزن های پر شده از UF_۶ تولیدشده در UCF تحت تدابیر نظارتی پادمانی آژانس قرار دارد. مسئله تبدیل اورانیوم که در نوامبر ۲۰۰۵ در UCF آغاز شده بود، در حال انجام است و اکنون انتظار می رود در آوریل ۲۰۰۶ به پایان برسد. از سپتامبر ۲۰۰۵، حدود ۸۵ تن UF_۶ در UCF تولید شده است.

ب) ارزیابی کلی جاری

- ایران تلاش های قابل توجهی درطول دو دهه گذشته برای در اختیار قرار گرفتن چرخه مستقلی از سوخت هسته ای انجام داد و برای رسیدن به این هدف، آزمایش هایی برای دسترسی به دانش آن و دیگر جنبه های این چرخه انجام داد. بسیاری از جنبه های فعالیت های مربوط به چرخه سوخت هسته ای و آزمایش های مربوط به آن به خصوص در زمینه غنی سازی اورانیوم، تبدیل اورانیوم و تحقیقات پلوتونیوم از سوی ایران مطابق با تعهدات مربوط به موافقت نامه پادمان در اختیار آژانس قرار نگرفته بود.

- از اکتبر ۲۰۰۳ ایران اقداماتی در جهت تصحیح قصورات گذشته درپیش گرفته است. به این ترتیب، آژانس قادر بوده است که برخی از جنبه های خاص گزارش های کنونی ایران را به خصوص در ارتباط با فعالیت های تبدیل اورانیوم، غنی سازی لیزری و تولید سوخت و برنامه راکتور تحقیقاتی آب سنگین مورد تأیید قرار دهد و آژانس مطابق با موافقت نامه پادمان ایران به پیگیری مرتب اجرای این موارد پرداخت و این کار تا ۶ فوریه ۲۰۰۶ براساس پروتکل الحاقی نیز انجام شد.
- دو موضوع مهم در گزارش نوامبر ۲۰۰۴ مدیرکل وجود دارد که به تلاش های آژانس برای ارائه تضمین درباره این که فعالیت اظهارنشده ای در ایران وجود ندارد، مرتبط می شود: آلودگی های مربوط به اورانیوم با غنای بالا و اورانیوم با غنای و دامنه تلاش های ایران برای واردات، ساخت و استفاده از سانتریفیوژهای طرح P1 و P2.
- در ارتباط با موضوع اول یا همان آلودگی ها، براساس اطلاعاتی که هم اکنون در اختیار آژانس است و با توجه به نتایج نمونه برداری محیطی و حمایت از اظهاریه ایران درباره منشأ خارجی آلودگی های اورانیوم با غنای بالا، آژانس هنوز در شرائطی نیست که به نتیجه مشخصی درباره همه این آلودگی ها به خصوص در ارتباط با آلودگی با غنای پائین دست پیدا کند.
- در ارتباط با موضوع دوم یعنی برنامه سانتریفیوژهای P1 و P2 اگرچه پیشرفت هایی از نوامبر ۲۰۰۴ برای راستی آزمایی اظهارات ایران درباره شرح وقایع مربوط به برنامه غنی سازی با استفاده از سانتریفیوژ حاصل شده است، اما آژانس هنوز در موقعیتی نیست که بتواند صحت و درستی اظهارات ایران در ارتباط با این برنامه را تأیید کند. از آنجایی که تهران اطلاعات بیشتری ارائه کرده و مستندات بیشتری در ارتباط با پیشنهاد ۱۹۸۷ و همچنین اواسط دهه ۱۹۹۰ درباره سانتریفیوژ P1 در اختیار آژانس قرار داده است، بازرسی های آژانس از شبکه تأمین این مواد نشان می دهد که ایران باید اطلاعات بیشتر و مفیدتری در این ارتباط ارائه کند. از ایران همچنین خواسته شده که جزئیات بیشتری درباره این موضوع ارائه دهد که چرا در سال ۱۹۸۵ تصمیم به آغاز روند غنی سازی گرفته است و یا مراحلی که به دستیابی به سانتریفیوژها در سال ۱۹۸۷ انجامید را مشخص کند. ایران تأکید دارد که اطلاعات دیگری جز آن چه که در اختیار آژانس قرار داده است، در اختیار ندارد.

- هیچ اطلاعات اضافی و مستنداتی درباره اظهارات ایران مبنی بر این امر ارائه نشده است که این کشور فعالیتی را بین سال های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۲ درباره طرح p۲ انجام نداده است. ایران در این رابطه خواستار تحقیقات بیشتری شده است و البته همچنان اصرار دارد که اطلاعاتی در این باره در اختیار ندارد.
- آژانس همچنان به پیگیری همه اطلاعات مربوط به فعالیت های برنامه هسته ای ایران ادامه می دهد. در این رابطه، ایران به آژانس اجازه داد که از مراکز نظامی کلاهدوز، لویزان و پارچین بازدید کند. آژانس هیچ فعالیت غیرعادی در مراکز کلاهدوز و پارچین مشاهده نکرده است و نتایج نمونه برداری زیست محیطی نشان از وجود مواد هسته ای در این اماکن ندارد. آژانس همچنان مشغول ارزیابی اطلاعات است و منتظر دیگر اطلاعات در ارتباط با سایت لویزان و مرکز تحقیقات فیزیک است.
- همانگونه که در نوامبر ۲۰۰۴ و سپتامبر ۲۰۰۵ گفته شد، تمامی مواد هسته ای اظهارشده در ایران مورد حسابرسی قرار گرفته است. اگرچه آژانس هیچ انحرافی در مواد هسته ای به سمت تسلیحات هسته ای و یا دیگر وسائل انفجاری مشاهده نکرده است، با این حال این آژانس در موقعیتی نیست که بتواند نتیجه گیری کند مواد و فعالیت هسته ای اظهارنشده ای در ایران وجود ندارد. روند دستیابی به این نتیجه حتی اگر پروتکل الحاقی نیز لازم الاجراء باشد، در شرایط عادی روندی زمان بر است.

۲. بیانیه جمهوری اسلامی ایران در شورای حکام^۱

آقای رئیس

در ابتداء مایلم قدردانی خالصانه دولت متبوع خود را از حمایت های با ارزش کشورهای عضو جنبش عدم تعهد ابراز کنم و همراهی خود را با مواضع اعلام شده توسط سفیر محترم مالزی به عنوان ریاست گروه عدم تعهد اعلام نمایم.

یک بار دیگر دریافت جایزه صلح نوبل را به مدیرکل و آژانس تبریک می گویم. همان گونه که دکتر البرادعی اعلام نمود، اعتبار آژانس را ارتقاء بخشیده و همزمان انتظارات از آژانس را بالا برده و مسئولیت آن را افزایش داده است. در وضعیت جدید، آژانس می بایست بیش از گذشته تعهد، قابلیت و ظرفیت خود را نه تنها برای اجرای پادمان ها بلکه جهت تسهیل و کمک به گسترش بهره گیری از انرژی هسته ای که هدف اصلی و اولیة آژانس بوده است، به منصفه ظهور رساند. همزمان، آژانس باید یک توازن مناسب بین عدم اشاعه که نقش محوری دارد و خلع سلاح هسته ای که سنگ بنای معاهده NPT است، برقرار سازد. این، مسئولیتی گران بار است.

در سال های اخیر، تلاش های سازمان یافته ای برای تجدیدنظر در مبانی معاهده NPT جهت محدود ساختن آن به یک هدف تک منظوره صورت گرفته است. در این راستا، متأسفانه تعهدات خلع سلاح هسته ای کاملاً نادیده انگاشته شده است و از دسترسی به مواد و فن آوری صلح آمیز هسته ای برای دیگران ممانعت شده است. همزمان، تعهدات عدم اشاعه به طور مستمر پررنگ تر شده است. خواسته های جاه طلبانه نسبت به معاهده NPT موجب ایجاد محدودیت های بیشتر، سخت تر و عمیق تر نسبت به فراهم نمودن دسترسی به فن آوری هسته ای صلح آمیز شده است. اضافه بر این، مصمم هستند که تولید سوخت هسته ای را کاملاً انحصاری نمایند. این رویکرد انحرافی به نظم هسته ای بین المللی، مبانی بنیادین عدم اشاعه را نقض نموده است.

این رهیافت تجدیدنظرطلبانه نسبت به عدم اشاعه، فن آوری هسته ای را منحصرأً برای دارندگان تسلیحات هسته ای و متحدان آن ها مشروع می سازد. به اضافه، کسانی که به طور

^۱ این بیانیه توسط علی اصغر سلطانی، سفیر و نماینده جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان های بین المللی در وین قرائت شده است.

گستاخانه این تسلیحات هسته ای را اشاعه داده اند، همزمان کسانی را که متعهدند این مائده الهی تبدیل به سلاح نشود با محدودیت مطلق مواجه ساخته اند.

این رهیافت، پیام روشنی دارد: بلیط ورود به باشگاه هسته ای مشروط به ویژگی های خاصی است که کشورهایی که مایلند به این جایگاه برتر دست بیابند، حتماً می بایست یک یا چند ویژگی را احراز نمایند:

- موضع مستمر و قاطع نسبت به حفظ تسلیحات هسته ای داشته و با خلع سلاح هسته ای مخالف باشند.

- وابستگی نهادینه و سازمانی به تسلیحات هسته ای به عنوان ابزار برتر برای امنیت داشته و استفاده آن را علیه اهداف واقعی و مجازی توسعه دهند.

- از هرگونه تعهد عدم اشاعه سرباز زده و به طور سازمان یافته، تولید و انبار سلاح هسته ای را دنبال کند.

این وضعیت به ظاهر مضحک می نماید، اما واقعیتی انکارناپذیر است که امروز بر نظام هسته ای بین المللی حاکم شده است. معاهده NPT بعد از این که کنفرانس بازنگری در تولید حداقل نقاط اشتراک شکست خورد ضربه ای اساسی دید، اما این اتفاقات اخیر شکافی عمیق به آن وارد کرده است.

امروز، در کمال شگفتی شاهد مواضع نوظهوری هستیم که مدعی است تولید و توسعه تسلیحات هسته ای در اختفاء کامل برای هرکس که بیرون از معاهده باقی مانده، اقدامی مشروع است. فجیع تر آن که این گونه برنامه های هسته ای با همکاری و گشودن درب های فن آوری، مواد و تجهیزات عملاً تقویت نیز می شوند. تصریح می کنم که این اظهارات به هیچ وجه متوجه کشور هند که شریک و دوست ما در منطقه است، نمی باشد. هند، هیچ گاه در اعتراض به رویکرد NPT ملاحظه ای نداشته است و نیز هیچ گاه نیات خود را برای رسیدن به سلاح مخفی نکرده است. آن چه مایه نگرانی است، اعمال این رویکرد به رژیم اسرائیل است که روابط عمیق با آمریکا داشته و به کمک آن کشور توانسته است سلاح هسته ای تولید نموده و از تبعات آن مصون باشد. تلاش های مشکوک برای محدود کردن گسترده خاورمیانه عاری از سلاح هسته ای به کشورهای حوزه خلیج فارس، نشانه ای از تحولات بعدی است. با تداوم روند کنونی، کاملاً قابل انتظار است که تسلیحات هسته ای رژیم اسرائیل از مخفیگاه ها بیرون آمده و شناسایی شده و پاداش داده شوند. آقای بولتون در واقع

می توانست حین اظهارات تهدید آمیز خود به ایران، این خبر خوش را نیز به حامیان رژیم اسرائیل اعلام کند که حتماً برای او کف بلندتری می زدند. علیرغم این مواضع چندگانه، ایالات متحده پرچمدار مقابله با برنامه هسته ای صلح آمیز ایران است. حال این که جمهوری اسلامی ایران برخلاف اشاعه دهندگان تسلیحات هسته ای:

- اعلام، تأکید و تصریح نموده که با سلاح های هسته ای مخالف است و آن ها را غیراخلاقی، غیرمشروع و غیرقانونی می داند.
- با آژانس در مورد راستی آزمایی برنامه هسته ای صلح آمیز همکاری کامل داشته، قصورات اولیه را که ناشی از تحریم مواد و فن آوری غرب بوده است تا حد ممکن اصلاح نموده است.
- به مقررات پادمان پایبند بوده و مفاد پروتکل الحاقی را برای سه سال متوالی اجراء کرده است.
- فعالیت هسته ای خود را برای یک دوران طولانی با هدف ایجاد و تقویت اعتماد، تعلیق کرده است.
- مواد و فعالیت های هسته ای اظهارشده در کشور به طور کامل توسط آژانس حسابرسی شده است.
- همکاری با آژانس را با هدف نیل به رأی نهایی مبنی بر عدم وجود مواد و فعالیت اظهارنشده ادامه داده است.

اما برای جنگ طلبان و اشنگتن، جایگاه واقعیت ها به توهمات مبدل شده است. این ها ظاهراً توانایی کشف نیات و ذهن خوانی را دارند. بر همین اساس، نسبت به برنامه ایران قضاوت می کنند. همین داوری موهوم با تبلیغات، به مبنای اقدامات بعدی تبدیل می شود. این شیوه ای بسیار آسان است، چون برای تشکیک در نیات ارائه مدرکی نیاز نیست. چگونه می توان در نیت کشوری که در یک طرف آشکارا سیاست خود را برای براندازی نظام ایران اظهار داشته و نسبت به آن طراحی می کند و برای آن بودجه مشخص پیش بینی و تصویب می نماید و در صحنه دیگر خود را مصلح همه جانبه جهانی قلمداد نموده و از منافع و خیر جهانی صحبت می کند و اقدامات خود را درچارچوب مقررات و نهادهای جهانی توصیه می کند، تردید نکرد؟ باید از مردم جهان پرسید به چه کشوری بیشتر اعتماد دارند: ایران یا آمریکا

و از تجاوزات و تهدیدات کدام کشور بیم دارند: ایران یا آمریکا؟ مردم منطقه ما هر روز و به هزاران زبان، این را نشان داده اند.

به کشورهایی که در کنار آمریکا پرچمدار مقابله با برنامه های صلح آمیز هسته ای ایران هستند، نگاهی بیفکنیم. بعضی از آن ها مستمراً زرادخانه هسته ای خود را توسعه داده و روزآمد می نمایند. بعضی دیگر اخیراً استفاده از سلاح هسته ای در وضعیت متعارف را مشروع نموده و در دکترین خود قرار داده اند. بعضی دیگر اگرچه در ظاهر فاقد تسلیحات هسته ای هستند، اما بسیاری از این سلاح ها را در قلمرو خود نگهداری می کنند و یا به طور رسمی توسط تسلیحات هسته ای پیمان های نظامی پشتیبانی می شوند و در طرح ریزی های کاربرد سلاح های هسته ای سهیمند.

اطلاق صفت عدم پابندی به برنامه صلح آمیز هسته ای ایران یکی از بزرگ ترین فضاحت ها در تاریخچه آژانس است که قطعاً به اعتبار نهادهای جهانی خسارت شدید وارد خواهد کرد و انحرافی جدی را در رسالت اولیه این نهادها بنا می نهد که به ضرر صلح و امنیت جهانی می باشد. البته این جلوه ای از واقعیات سیاسی فعلی است و برای ما و هیچ کس غیرمنتظره نمی باشد. اما سؤال این است که این همه هیاهو در نهایت چه هدفی را تأمین خواهد نمود.

موضوع فنی، حقوقی برنامه صلح آمیز هسته ای از ابتداء به یک جنجال عمیق سیاسی مبدل شده است. بردن موضوع به شورای امنیت عملاً آن را به یک موضوع امنیتی مبدل خواهد کرد و ما چاره ای نخواهیم داشت جز این که از این پس، در این چارچوب به مسئله پردازیم.

علیرغم همه این واقعیات، ما یک پیشنهاد صادقانه برای حل موضوع داریم. مبنای پیشنهاد بسیار ساده است: "شما به حقوق ما احترام بگذارید و ما نیز به نظرات شما احترام می گذاریم". ما همه راه های دیپلماتیک برای حل مسئله به نحو مسالمت آمیز را از طریق روسیه، چین، کشورهای اروپایی، کشورهای نم در یک چارچوب منصفانه دنبال کرده و همه درب های مذاکره برای حل و فصل موضوع را باز نگه داشته و فکر می کردیم این تلاش ها نیاز به زمان برای رسیدن میوه دارد. اما کسانی که با عجله و عصبانیت دنبال اهداف دیگری هستند، نمی خواهند سایر بازیگران صحنه بین المللی توفیقی در این مسیر داشته باشند. این پیشنهاد و مصالحه، ناشی از نگرانی از شورای امنیت نبود. البته روشن است که ما شوق و هیجان آمریکا برای آن که زور بازویش را نشان بدهد ساده نمی گیریم، اما در زیر این ماهیچه های فربه ترک های استخوانش را نیز می بینیم. آمریکا قدرت ایجاد خسارت و درد را دارد، اما آمریکا

همزمان در برابر خسارت و درد متقابل نیز شکننده است. بنابراین، اگر آمریکا قصد زورآزمایی دارد، این گوی و این میدان.

پیشنهاد مصالحه ما در ماهیت وجودیش تلاشی صادقانه برای حل یک مسئله سیاسی شده به شیوه سیاسی بوده است، قبل از آن که وضعیت از کنترل خارج شود. ما ایرانی ها ضمن پایبندی به اصولمان، هنگام مصالحه منصف و توانا هستیم. لذا پیشنهاد ما برای یک مصالحه دوران انتقالی هدفی جز جایگزینی مقابله با دیپلماسی نداشته است. بدین ترتیب، یک فرصت ناب برای دیپلماسی و همکاری که منطقه گرفتار ما عمیقاً به آن نیازمند است، می تواند ایجاد گردد. اگر این فرصت از دست برود، کسی نمی تواند پیش بینی کند که چگونه و در چه زمان دیگری دوباره پیش خواهد آمد. در شرایط متفاوت، ناگزیریم وضعیت را ارزیابی نموده و سیاست و رویه خود را متناسب با شرایط جدید تنظیم نماییم.

به خاطر محدودیت زمانی، من از ذکر تحلیل جزئی گزارش مدیرکل و کل پرونده هسته ای خودداری می کنم. هیات نمایندگی ایران متن توضیحی جامعی را (INFCIRC/۶۷۸) آماده کرده است که در اختیار نمایندگان محترم قرار می گیرد. من درخواست می کنم که این بیانیه در اسناد شورای حکام ثبت شود.

۳. بیانیۀ عدم تعهد در شورای حکام

۱. این افتخار را دارم که این بیانیۀ را از طرف جنبش عدم تعهد ارائه نمایم.
۲. نم، قدردانی خود را از مدیرکل آژانس به خاطر گزارش جامع آن درخصوص اجرای موافقت نامۀ پادمان در جمهوری اسلامی ایران مندرج در سند GOV/۲۰۰۶/۱۵ مورخ ۲۷ فوریه و همچنین به خاطر سخنان شفاهی آن ابراز می دارد. نم از کشورهای عضو و آژانس می خواهد که به محرمانه بودن اسنادی که تحت بررسی ما قرار دارند، به منظور حفاظت از تمامیت آژانس و شورای حکام احترام بگذارند.
۳. نم از مدیرکل و آژانس قدردانی می کند و آنان را تشویق می کند تا به کار و تلاش های خود به منظور حل و فصل تمامی موضوعات مربوط به برنامه هسته ای ایران ادامه دهند.
۴. نم موضع اصول خود را تکرار می کند که عدم اشاعه و استفاده های صلح آمیز از فناوری هسته ای باید به شیوه ای متعادل و غیرتبعیض آمیز مدنظر قرار گیرند. نم مجدداً بر این اعتقاد خود قویاً تأکید می کند که حذف کامل سلاح های هسته ای تنها تضمین قطعی علیه استفاده یا تهدید به استفاده از سلاح های هسته ای است.
۵. نم همچنین بر این اعتقاد است که تلاش های جامعه بین المللی با هدف خلع سلاح هسته ای باید برابر و همزمان با تلاش ها با هدف عدم اشاعۀ هسته ای باشد.
۶. نم تمایل دارد تأکید نماید که ضروری است بین تعهدات حقوقی کشورهای عضو تحت موافقت نامۀ پادمان و تعهدات داوطلبانۀ آنان باید تمایز قائل شد. ضروری است تضمین شود که تعهدات داوطلبانۀ کشورهای عضو به تعهدات حقوقی پادمانی تبدیل نشوند. نم بر این عقیده است که کشورهای عضو نباید به خاطر عدم انجام تعهدات داوطلبانۀ خویش تنبیه شوند.
۷. نم با رضایت خاطر مدنظر قرار می دهد که تمامی مواد هسته ای اظهارشده در ایران حسابرسی شده و آژانس هیچ انحرافی را به سمت فعالیت های ممنوعه در این مواد مشاهده نکرده است. نم آگاهی دارد که اقدامات اصلاحی توسط ایران اتخاذ شده و هیچ قصور جدیدی شناسایی نشده اند. نم خاطرنشان می سازد که راستی آزمایی صحیح بودن و کامل بودن اظهارنامه های مربوطۀ ایران در حال انجام است. نم

همچنین شناسایی می کند که هر فعالیت محق تحت پادمان آژانس، موجب هیچ نگرانی نخواهد بود.

۸. نم همچنین خرسند است خاطر نشان سازد که پیشرفت محتوایی که برای حل و فصل موضوعات مربوط به اجرای پادمان در ایران کلیدی هستند حاصل شده است، نظیر موافقت ایران با بازدید آژانس از سایت های دفاعی و سایر سایت های مربوطه هسته ای، اعطای اجازه به مصاحبه با برخی افراد خاص و فراهم نمودن اسناد و اطلاعات لازم مربوط به موضوع هسته ای در این رابطه. نم خوش بین است که موضوعات باقی مانده فوراً حل و فصل خواهند شد.

۹. نم قدردانی خود را از ایران به خاطر همکاری مداوم حتی فراتر از تعهدات حقوقی خود ابراز می دارد و از ابتکارات ایران با هدف شفافیت بیشتر استقبال می کند. نم ایران را تشویق می کند تا به همکاری خود با آژانس به منظور حل و فصل موضوعات باقی مانده به ویژه در رابطه با محدوده و ماهیت برنامه هسته ای ایران، ادامه دهد.

۱۰. نم با این ارزیابی مدیرکل در گزارش خود هم نظر است که فرایند نتیجه گیری در رابطه با عدم حضور مواد و فعالیت های هسته ای اظهار نشده در ایران حتی با وجود اجرای پروتکل الحاقی، یک فرایند زمان بر می باشد. در این رابطه، نم شناسایی می کند که آژانس از طریق همکاری مداوم قادر خواهد بود تا بدون هیچ گونه فشاری، کار راستی آزمایی را در ایران به پایان برساند.

۱۱. نم تمایل دارد که بر نقش آژانس و مدیرکل در تضمین توسعه و استفاده صلح آمیز از فناوری های هسته ای تأکید نماید. در این رابطه است که هم آژانس و هم مدیرکل به دریافت جایزه صلح نوبل در سال ۲۰۰۵ نائل گردیدند. نم، آژانس را به عنوان تنها نماد ذی صلاح برای راستی آزمایی به رسمیت می شناسد و اعتماد کامل خود را نسبت به بی طرفی و حرفه ای بودن آژانس تحت هدایت مدیرکل ابراز می دارد. در این رابطه، نم قویاً معتقد است که تمامی موضوعات پادمانی و راستی آزمایی حاوی آن هایی که مربوط به ایران است، فقط بایستی توسط آژانس و در چارچوب آن حل و فصل شوند و صرفاً باید بر مبانی فنی و حقوقی استوار باشند. نم همچنین تأکید می

کد که آژانس به کار خود برای حل و فصل موضوع هسته ای ایران در چارچوب مأموریتش تحت اساسنامه آژانس ادامه می دهد.

۱۲. نم قویاً معتقد است که دیپلماسی و گفتگو باید به منظور یافتن یک راه حل صلح آمیز درازمدت درمورد موضوع هسته ای ایران ادامه یابد. به این منظور، نم بر این عقیده است که از درگیری سایر نهادهای سازمان ملل متحد در این مقطع باید جلوگیری شود. تمامی اعضای مربوطه باید صبر و خویشتن داری به خرج دهند و نبایستی به هر اقدامی که ممکن است سبب تشدید اوضاع و ایجاد تقابل غیرضروری گردد، متوسل گردند.

۱۳. نم در تشویق یک محیط مبتنی بر همکاری برای یافتن یک راه حل مورد پذیرش متقابل برای این موضوع، از تمامی ابتکارات با هدف تسهیل خاتمه سریع موضوع هسته ای ایران در آژانس قدردانی می کند. نم از گفتگوی مداوم بین فدراسیون روسیه و ایران باهدف یافتن راه حلی برای برنامه غنی سازی اورانیوم، استقبال می کند.

۴. توضیحات کتبی جمهوری اسلامی ایران در مورد گزارش مدیرکل آژانس^۱

موضوع هسته ای کاملاً فنی جمهوری اسلامی ایران، سیاسی شده است. اطلاعات مغرضانه، مبالغه آمیز و ناموجه جامعه بین المللی را گمراه ساخته است. به دلیل ماهیت فنی مسئله، نیازمند تشریح جزئیات است. در غیر این صورت، برای افراد غیرحرفه ای ایجاد سرگشتگی خواهد کرد. آن چه در ذیل می آید، اطلاعات اضافی و روشن گری های دیگری است که با هدف تسهیل درک بهتر از دامنه و ماهیت فعالیت های هسته ای جمهوری اسلامی ایران بیان می شود. باید یادآوری نمود که اعمال بیش از سه سال نظام بازرسی توسط آژانس و همکاری فوق العاده از سوی جمهوری اسلامی ایران با این نهاد، حائز کمال اهمیت است.

همچنین باید یادآوری نمود که ایران در زمینه ارائه اطلاعات حجیم و فراوان، اعطای دسترسی های فراوان به اماکن مختلف حتی سایت های نظامی، فراهم نمودن امکان مصاحبه با اشخاص، ارائه اطلاعات غیرمربوط به پادمان، اجازه جهت نمونه برداری های گسترده از سایت های هسته ای و غیرهسته ای و حتی سایت های نظامی، بیش از هزاران ساعت ملاقات با متخصصان به منظور درک جزئیات هر موضوع که بالغ بر ۱۷۰۰ نفر روز بازرسی را دربر می گیرد، همکاری های فراوانی کرده است. از این رو، آژانس از تمام بخش های برنامه هسته ای درک و اطلاع کامل دارد و در موارد متعدد به پیشرفت هایی رسیده است. فهرست پیشرفت های متعدد و نیز توفیقات متعدد حاصله قبلاً در گزارش های مختلف مدیرکل منعکس شده است. از این رو، از تکرار مکررات خودداری می شود. انتظار می رود آژانس نهایت تلاش خود را برپایه جنبه های فنی و نه سیاسی در این زمینه به کار گیرد. به رهحال، به منظور اجتناب از ورود به جزئیات گزارش مدیرکل (GOV/۲۰۰۶/۱۵)، نقطه نظرات ذیل در ارتباط با بندهای مختلف گزارش که ابهاماتی را پدید آورده است، ارائه می گردد:

بند ۲۰: باید توجه کرد که سند مربوطه قبلاً به آژانس ارائه شده است. تنها ۱/۵ صفحه از مجموع سند ۱۵ صفحه ای مربوطه شامل اطلاعات پیرامون ریخته گری است که از لحاظ فنی چیزی بیش از کار با دستگاه بر روی یک فلز نیست و می تواند در کارگاه های

^۱ INFCIRC/۶۷۲, ۸ MARCH ۲۰۰۶.

معمولی هم صورت گیرد. بقیه سند شامل اطلاعات عمومی پیرامون تبدیل UF₆ به فلز است. این اطلاعات بسیار کمتر از اطلاعات جامعی است که در تأسیسات تبدیل اورانیوم (یوس.اف) وجود دارد که آن هم زیر پوشش پادمان آژانس است. باید تکرار کرد که سند مزبور همواره در دسترس آژانس بوده و خواهد بود و از این رو، عبارت "ایران مجدداً از ارائه سند خودداری کرده"، محلی از اعراب ندارد.

بند ۳۴: لازم است روشن سازی شود که عبارت "ایران از دسترسی به او برای مصاحبه با آژانس ممانعت به عمل آورد" باید تصحیح شود. همان گونه که در بند ۳۶ گزارش آمده است، با وجود این که چنین مصاحبه هایی فراتر از موافقت نامه پادمان و پروتکل الحاقی بوده است، فرد مورد نظر در واقع توسط معاون مدیرکل در امور پادمان مصاحبه شده است.

بند ۳۵: با اشاره به اظهارات ماه ژوئن سال ۲۰۰۵ مدیرکل که می گوید: من همچنین از ایران خواهم خواست تلاش های آژانس برای ادامه تحقیقات خود از سایت های لویزان-شیان و پارچین را از طریق فعالیت درجهت نیل به یک توافق بر سر مدالیتی کار که هم اکنون مورد بحث و گفتگو است، ادامه دهد و امکان دسترسی آژانس به تجهیزات دارای کاربرد دوگانه و سایر اطلاعات مربوط به سایت لویزان - شیان، مدالیتی که مورد توافق قرار گرفت و اجراء شد را فراهم نماید. در این ارتباط، موارد ذیل باید مورد توجه قرار گیرد:

- هیچ اشاره ای به مدالیتی مورد توافق در گزارش مدیرکل نشده است.
- براساس مدالیتی گفته شده، موافقت گردید که تنها فهرستی از تجهیزات اضافی توسط آژانس ارائه گردد و بررسی محلی این تجهیزات و نمونه های محیطی صورت گیرد که بلافاصله اجراء شد. اما برعکس، آژانس برای بار نخست لیست دیگری را ارائه داده است.
- چنان همکاری فوق العاده ای فراتر از تعهدات پادمانی و حتی فراتر از پروتکل الحاقی در گزارش کاملاً منعکس نشده است.

بند ۳۶: عبارت "استفاده از تجهیزات الکترونیکی، برق، تجهیزات مربوط به تأمین، تجهیزات لیزر و تجهیزات خلا" صحیح نمی باشد، زیرا هیچ یک از موارد مذکور

خریداری نشده است. به هر حال، ایران برحسب نیاز اسناد مربوطه را به به منظور تسهیل خاتمه سریع مسئله به آژانس ارائه داده است.

بند ۳۷: در ارتباط با اطلاعات مربوط به سوالات مربوط به فلزات خاص، تیتانیوم و روغن ویژه باید توجه کرد که اطلاعات مربوطه طی نشست ۲۶ ژانویه ۲۰۰۶ آژانس ارائه شده است.

بند ۳۸: عبارت "ایران از پرداختن به دیگر موضوعات خودداری کرده است" که در بند ۴۰ نیز تکرار شده است به خوبی توضیح داده نشده است، چرا که ایران همواره آمادگی خود را برای مورد توجه قرار دادن و ارائه توضیحات لازم در خصوص هریک از موضوعات واقع در حیطه اختیارات اساسنامه ای آژانس اعلام کرده است.

بند ۴۶: تا آنجا که به عبارت پنهان کای و نقض موارد مربوط است، باید توجه داشت که حداکثر موردی که حادث شده قصور در ارائه به موقع مواردی است که قبلاً اثبات شده از مواردی که به فعالیت های ممنوعه مربوط باشند نیستند. از این رو، عبارت "منجر به بسیاری از موارد نقض تعهدات خود برطبق موافقت نامه شده است" در بند ۴۶ موجه و منطقی نیست. مدیرکل در سال ۲۰۰۶ نخستین سفر خود را به ایران انجام داد و در این سفر کاملاً در جریان قصد سازمان انرژی اتمی ایران برای ایجاد برخی فعالیت های مشخص در زمینه فناوری چرخه سوخت هسته ای و ساخت تأسیسات مربوطه از قبیل یو.سی.اف اصفهان قرار گرفت. اگرچه ایران هنوز به ترتیبات فرعی اصلاح شد ملحق نشده است، با وجود این با طیب خاطر اطلاعات مربوط به طراحی تأسیسات تبدیل اورانیوم در اصفهان را ارائه داده است. آژانس، اطلاعات مربوط به طراحی یو.سی.اف را در سال ۲۰۰۴ یعنی چهار سال قبل از ملزم شدن ایران به اطلاع دهی به آژانس به موجب مفاد موافقت نامه جامع پادمان دریافت نموده است. از این رو، مفهوم "افشای فعالیت های اظهار نشده از قبیل یو.سی.اف یا پنهان کاری" مطلقاً نادرست است. عبارت پنهان کاری که نخستین بار توسط آمریکا و سپس توسط دبیرخانه آژانس در گزارش های خود مورد استفاده قرار گرفت، کاملاً نادرست و گمراه کننده است. عدم گزارش دهی فعالیت هایی همچون ساخت تأسیسات هسته ای که ایران ملزم به ارائه اطلاعات مربوط به طراحی آن بوده، تنها ۱۸۰ روز قبل از معرفی ماده هسته ای به کارخانه، نامش پنهان کاری نیست. حتی اگر ساخت نیروگاه هسته ای بوشهر تقریباً ۲۵ سال قبل شروع می شد، ایران

ناگزیر بود وجود این نیروگاه را تنها ۱۸۰ روز قبل از وارد شدن مواد هسته ای به آن گزارش دهد. همین قضیه در مورد سایر تأسیسات از قبیل کارخانه غنی سازی در نطنز، تأسیسات تبدیل اورانیوم (یو.سی.اف) که ایران چهارسال قبل از ملزم شدنش آن را به اطلاع آژانس رسانده بود، صادق می باشد. باید توجه داشت که گزارش های مربوط به اجرای پادمان آژانس حاوی بسیاری از قصورهای سایر کشورهای عضو است که تأکیدی روی آن نمی شود. حقیقت امر این است که آژانس به لحاظ حقوقی نه در موقعیتی قرار دارد و نه می تواند پیرامون نیت کشورهای عضو قضاوت کند. از این رو، استفاده از عبارت پنهان کاری بی معنی است.

بند ۴۹: در ارتباط با موضوع آلودگی اورانیوم با غنای بالا و اورانیوم باغنای پائین باید توجه نمود که ایران از آغاز سال ۲۰۰۳، موارد ذیل را به اطلاع آژانس رسانده است:

- چنان آلودگی هایی از فعالیت های ایران نشأت نمی گیرد.
- منشأ آلودگی ها از خارج از کشور و از طریق قطعات آلوده وارداتی به وجود آمده است.

ایران اجازه نمونه برداری های گسترده و مصاحبه های فراوان داده و به طور داوطلبانه تمام اسناد مربوطه را ارائه نموده است. پس از ارزیابی آژانس و تحقیقات موردی در خارج از ایران، آژانس در سپتامبر ۲۰۰۵ به این نتیجه رسید که نتایج تحلیل های انجام گرفته و بررسی نمونه های اخذ شده از ادعای ایران مبنی بر منشأ خارجی آلودگی ها حمایت می کند. آژانس صحت اظهارات ایران در این زمینه را پس از یک مدت طولانی اعلام کرده است. اما در طول فرایند تحقیقات در هر مرحله، آژانس بر اساس نتایج اولیه خود به ارائه گزارش و جمع بندی می پرداخت که بعداً اثبات می شد گزارش ناپخته و ناصحیح است. در نهایت، تجزیه و تحلیل نمونه برداری های صورت گرفته از قطعات یک کشور ثالث صحت اظهارات و اطلاعات ارسالی از سوی ایران را تأیید کرده است. چند نقطه موجود بر روی طیف ها که در نتیجه مشکلات در طراحی ریاضی پدید آمده و معاون مدیرکل در امور پادمان آژانس نیز در گزارش سوم مارس ۲۰۰۶ خود به آن اشاره کرده، نباید ایجاد ابهام نموده و به عنوان ابزار و دستاویزی برای مفتوح گذاردن پرونده سانتریفیوژهای P۱ و P۲ مورد استفاده قرار گیرد.

بند ۵۰: جمهوری اسلامی ایران قبلاً اطلاعات جامعی را در مورد گاه شمار سانتریفیوژهای P۱ و P۲ از طریق مصاحبه با افراد ذی ربط، دسترسی به سایت های مختلف، نمونه برداری،

تسلیم اسناد مربوط به تهیه و حمل و نقل و همچنین اطلاعات جزئی محرمانه در خصوص معامله با واسطه ها ارائه نموده است. آژانس نباید بر اساس اطلاعات مغرضانه و غیرموثق در خصوص این موارد قضاوت و نتیجه گیری کند، چرا که هنوز اسنادی را که اثبات کند اظهارات و ادعاهای ایران دچار تناقض است به ایران ارائه نداده است.

بند ۵۱: در خصوص سؤال آژانس در مورد کار روی طراحی سانتریفیوژ P۲ بین سال های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۲ آن چه در ذیل می آید، برخی از دلایلی است که ثابت می کند طی این سال ها فعالیتی در این زمینه ارائه نشده است. این دلایل به آژانس ارائه شده، اما در گزارش مورد تصریح قرار نگرفته است:

- سانتریفیوژ P۱ پروژه ملی بوده است، نه P۲.
- ایران فاقد هرگونه تجربه در زمینه غنی سازی سانتریفیوژ بوده است.
- ایران هنوز مهارتی در زمینه P۱ به دست نیاورده است. از این رو، حرکت سریع به سمت مدل های پیشرفته تر همچون P۲ قبل از تبحر در نوع P۱ به لحاظ فنی یک اشتباه بزرگ است. این موضوع نیز توسط کارشناسان و متخصصان برجسته آژانس مورد تأیید قرار گرفته است.
- رئیس سابق سازمان انرژی اتمی ایران قویاً بر این باور بوده که قبل از کسب موفقیت در P۱ نباید هیچ اقدامی در مورد P۲ انجام داد.
- زمان آغاز به کار P۲ زمانی بود که P۱ به راحتی در دسترس بوده و قرارداد مربوطه با یک فرد در سال ۲۰۰۲ منعقد شده است.
- مدت زمان قرارداد با شخص مربوطه، صحت فعالیت های صورت گرفته در مورد P۲ در زمان اعلام شده را اثبات می کند.
- بازرسان آژانس قبلاً به طور کامل فعالیت های انجام گرفته توسط شخص موردنظر و گزارش پیشرفت مربوطه را بررسی و آن را تصدیق نموده اند.
- چنان چه ایران اقدام بر روی پروژه P۲ را در طول مدت زمان ذکر شده (۱۹۹۵ تا ۲۰۰۲) انجام می داد، آنگاه می بایستی اقلامی همچون مگنت ها را به منظور نصب و راه اندازی حتی یک دستگاه ساده P۲ از خارج تهیه می کرد. اطلاعاتی که آژانس از منابعی همچون کشورهای عضو (شامل تاریخ درخواست یا خرید مگنت ها توسط

ایران) به دست آورده، اثبات می کند که چنان اقداماتی قبل از زمان قرارداد با این شخص در سال ۲۰۰۲ انجام نگرفته است.

- چنان چه ایران روی P۲ فعالیت هایی می داشت و توفیقاتی کسب می کرد، هیچ منطق و دلیل وجود نداشت که پروژه ملی را ادامه دهد و روی P۱ در نطنز سرمایه گذاری نماید.

- متأسفانه این منطق از سوی آژانس مورد شناسایی قرار نگرفت که دلیل آن عبارت از فقدان یک اراده برای بستن پرونده بود.

بند ۵۲: اقتدار حقوقی آژانس قبلاً در اسناد پادمانی از قبیل پادمان جامع و پروتکل الحاقی که نتیجه مذاکرات فشرده کشورهای عضو در زمینه مفاد اساسنامه آژانس و ان.پی.تی است، به خوبی تعریف شده است. از این رو، هرگونه اقتدار حقوقی اضافی باید توسط کشورهای عضو مورد مذاکره قرار گیرد و به عنوان یک قانون پادمانی اضافی جدید به تصویب برسد. از این رو، این درخواست دبیرخانه ارتباطی به موضوع هسته ای ایران ندارد. لذا، دبیرخانه می بایستی قادر به استفاده از اختیارات خود به موجب مفاد پادمان مذکور بوده باشد. با وجود آن که درخواست برای اقدامات شفاف ساز بسیار فراتر از اختیارات آژانس است و ایران هیچ تعهد حقوقی در این زمینه ندارد، اما با وجود این به سایت های مختلف نظامی اجازه دسترسی داده و امکان نمونه برداری های محیطی را فراهم نموده که باید به سایر موارد ذکر شده در این گزارش افزود. همچنین باید توجه کرد که بیش از ۳۰ نمونه گرفته شده از سایت های نظامی و نتیجه نمونه برداری های محیطی به هیچ وجه نشان دهنده وجود مواد هسته ای در این اماکن از جمله لویزان نیست. مدیرکل در بند ۱۰۲ گزارش GOV/۲۰۰۴/۸۳ خود آورده است: نمونه های گیاهی و خاکی جمع آوری شده از مرکز لویزان- شیان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و هیچ نشانه ای از مواد هسته ای در آن پیدا نشده است. اقدامات مربوط به شفافیت اعم از مصاحبه با اشخاص مختلف، ارائه چندین سند و بازدید از تجهیزات به طور کامل انجام گرفته است. نتایج بازرسی ها همان گونه که در این بند مورد اشاره قرار گرفته است، نشانه آشکاری از آن است که اتهامات مکرر آمریکا و گروه تروریستی برخوردار از حمایت آن طی سه سال گذشته کاملاً بی اساس است و آژانس زمان و تلاش زیادی را مصروف بازرسی ها، نمونه برداری ها، مصاحبه ها و بررسی اسناد نموده که علاوه بر ایجاد تنش سیاسی بین کشورهای عضو و آسیب به اعتبار جمهوری اسلامی ایران و آژانس، از دیگر

پیامدهای این ادعاهای بی اساس این است که به آسانی قابل جبران نیست. وقت آن رسیده است که چنان روند نامعقولی متوقف شود.

بند ۵۳: توجه به این نکته ضروری است که آژانس قادر بوده است فقدان مواد فعالیت های هسته ای اظهارنشده را تنها در ۸ کشور که بیشتر آن ها حتی جزو کشورهای پیشرفته صنعت هسته ای نیستند، شناسایی کند. از این رو، منصفانه و منطقی نیست که سرزنش ها در این زمینه متوجه ایران شود. با وجود آن که در بخش مقدماتی این بند آمده است که آژانس هیچ انحرافی را از مواد هسته ای به سمت سلاح ها یا دیگر وسائل انفجاری هسته ای مشاهده نکرده است، اما آژانس به صورت فرضی درمورد فعالیت های دارای گرایش نظامی، بدون ارائه شواهد و مدارک لازم، اطلاعات اخیر در دسترس آژانس را به همراه ادعاهایی مطرح ساخته است.

بند ۵۴: عبارت شفافیت کامل، تعریف مشخص و متمایزی در فعالیت های هسته ای ندارد. نمونه این مدعا، مثال ایرانی است که هر آن چه در قالب همکاری فراتر از موافقت نامه پادمان و پروتکل الحاقی و حتی فراتر از آن چه در دسترس آژانس قرار گرفته صورت پذیرفته است، آژانس را متقاعد نساخته و درخواست خود را تکرار می کند. مشخص نیست تا کجا می خواهد برود و مرز کجاست؟ باید توجه کرد که هر اقدام شفاف ساز باید به خوبی که استقلال و حاکمیت، شأن و احترام و امنیت ملی کشورهای عضو به واسطه آن حفظ و رعایت شود، صورت گیرد. علاوه بر این، به تمام درخواست های تکرار شده در این بند قبلاً عمل شده است.

۵. جمع بندی رئیس شورای حکام

شورا گزارش مدیرکل درخصوص اجرای موافقت نامه پادمان در جمهوری اسلامی ایران مندرج در سند GOV/۲۰۰۶/۱۵ را مدنظر قرار داد. شورا قدردانی خود را از مدیرکل و دبیرخانه به خاطر کار حرفه ای و پرتلاش آن ها درمورد این موضوع ابراز نمود. خاطرنشان گردید که برطبق قطعنامه شورای حکام GOV/۲۰۰۶/۱۴، گزارش مدیرکل به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارسال خواهد شد.

برخی از اعضاء تأسف خود را به خاطر فقدان اجرای اقدامات اعتمادساز درخواستی از ایران توسط قطعنامه ۴ فوریل ۲۰۰۶ شورا ابراز کردند و درخواست کردند که این اقدامات به طور کامل اجراء گردند و همچنین از اظهارات ایران در ۶ فوریه ۲۰۰۶ که قصد دارد اجرای اقدامات داوطلبانه غیرالزام آور حقوقی خود شامل پروتکل الحاقی را تعلیق نماید، ابراز تأسف کردند.

برخی از اعضاء از پیشرفت کند در روشن سازی مسائل باقی مانده مربوط به موضوع هسته ای ایران از فوریه به بعد ابراز تأسف کردند. آن ها همچنین نسبت به اطلاعاتی درخصوص بعد احتمال نظامی برنامه ایران ابراز نگرانی کردند. آن ها ابراز تأسف کردند که آژانس هنوز در وضعیتی نیست که جمع بندی نماید هیچ مواد یا فعالیت های هسته ای اظهارنشده در ایران وجود ندارد. آن ها از ایران خواستند تا شفافیت کامل را فراهم نماید، از جمله فراهم نمودن اطلاعات و اسناد اضافی در رابطه با برنامه های سانتریفیوژهای P۱ و P۲ و خرید اقلام دومنظوره، دسترسی به اشخاص مربوطه و دسترسی به کارگاه های معین نظامی و مکان های تحقیق و توسعه که آژانس ممکن است در آینده و به عنوان بخشی از کار تحقیقاتی خود بازدید از آن ها را ضروری ببیند.

برخی از اعضاء به رسمیت شناختند که ایران اقدامات اصلاحی را اتخاذ نموده و به فراهم نمودن برخی اقدامات شفاف ساز ادامه می دهد. آن ها ایران را تشویق کردند تا به همکاری خود با آژانس به منظور حل و فصل موضوعات باقی مانده مربوط به محدوده و ماهیت برنامه هسته ای ایران ادامه دهد. آن ها بر تمایز بین اقدامات اعتمادساز داوطلبانه و تعهدات الزام آور حقوقی پادمانی تأکید کردند.

آن ها جمع بندی گزارش مدیرکل را که تمامی مواد هسته ای اظهار شده در ایران حسابرسی شده و این که آژانس هیچ انحرافی را در این مواد به سمت سایت های هسته ای یا سایر

ادوات انفجاری هسته ای مشاهده نکرده است، مدنظر قرار دادند. آن ها به رسمیت شناختند که کار آژانس برای راستی آزمایی صحیح بودن و کامل بودن اظهار نامه های ایران در حال انجام است. آن ها همچنین خاطرنشان ساختند که فرایند نتیجه گیری درخصوص عدم حضور مواد یا فعالیت های هسته ای اظهار نشده حتی با اجرای پروتکل الحاقی، فرایندی زمان بر می باشد.

مورد تأکید قرار گرفت که آژانس تنها نهاد ذی صلاح برای راستی آزمایی است و باید به کار خود برای حل و فصل موضوع هسته ای ایران ادامه دهد. نیاز مداوم به مذاکرات و گفتگوی دیپلماتیک میان تمامی اعضاء که تمامی موضوعات مربوطه را پوشش دهد، به عنوان راهی برای رسیدن به یک راه حل مسالمت آمیز برای موضوع هسته ای ایران مورد تأکید قرار گرفت. در این رابطه، از تمامی ابتکارات نظیر گفتگوی ایران با اتحادیه اروپا و طرح روسیه درخصوص کنسرسیوم مشترک با هدف هموار کردن راه برای خاتمه سریع موضوع هسته ای ایران قدردانی شد. درخواست هایی از ایران برای اتخاذ رفتار پاسخ گرایانه نسبت به اجرای اقدامات اعتمادسازی که قبلاً توسط شورای حکام درخواست شده است، به عمل آمد. حق اساسی و غیرقابل انکار تمامی کشورهای عضو برای توسعه انرژی هسته ای برای مقاصد صلح آمیز در تطابق با تعهدات حقوقی مربوطه آنان نیز مجدداً تکرار گردید.

برخی از اعضاء بر اهمیت رسیدگی به موضوع هسته ای ایران درچارچوب ایجاد یک منطقه عاری از سلاح هسته ای در منطقه خاورمیانه تأکید کردند. شورای حکام از مدیرکل درخواست نمود تا آن را از تحولات مربوط به موضوع به طور مقتضی آگاه نماید.